
نام کتاب : انیس الموحدين

تعداد جلد : ۰

جلد :

تعداد صفحه : ۳۱

موضوع سند :

ناشر :

محل نشر :

نام کتاب : انیس الموحدين

صفحه : ۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صفحه : ۴

صفحه : ۵

انیس الموحدين

حکیم متاله علامه متبجر محقق

مولی محمد مهدی نراقی (ره)

انتشارات الزهراء

صفحه : ۶

انتشارات الزهراء

کتاب حاضر در تیراژ ۱۰۰۰۰ نسخه در ماه رجب ۱۴۰۳ هـ ق مطابق با اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۳ توسط انتشارات الزهراء چاپ و منتشر گردید .

چاپ : چاپخانه علامه طباطبائی

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است

بها : ۲۵۰ ریال

صفحه : ۷

فهرست مندرجات

موضوع صفحه

مقدمه : شرح حال مولی محمد مهدی نراقی (ره) ۱۳

مقدمه : شرح حال مختصر شهید قاضی طباطبائی (ره) ۳۳

پیشگفتار : توضیح مؤلف ۴۱

باب اول

در اثبات صانع - تعالی شانہ -

اثبات واجب الوجود و مبداء هر فیض وجود ۴۳

باب دوم

در صفات باری تعالی

مقدمه : در کیفیت صفات باری ۶۳

فصل اول : در بیان صفات ثبوتیه ۷۱

فصل دوم : در بیان صفات سلبيه ۸۳

صفحه : ۸

باب سوم

در بیان نبوت محمد

صلی الله علیه و آله و سلم

فصل اول : در وجوب بعثت انبیاء ۹۱

فصل دوم : در عصمت انبیاء ۹۷

فصل سوم : در طریق معرفت نبی ۱۰۱

فصل چهارم : در اثبات نبوت حضرت خاتم النبیین ۱۰۵

باب چهارم

در بیان اختلافاتی که در امامت شده است

مقدمه ۱۲۱

فصل اول : در اثبات احتیاج به وجود امام (ع) ... ۱۲۷ فصل دوم : در اینکه امامت از اصول دین است

۱۳۷

فصل سوم : در اینکه در امامت عصمت شرط است ۱۳۹

فصل چهارم : در اثبات اینکه امام باید افضل ... ۱۴۳

فصل پنجم : در اثبات اینکه امام باید منصوص باشد ۱۴۵

فصل ششم : در اثبات اینکه جناب مستطاب امیرالمؤمنین وصی ... ۱۴۹ فصل هفتم : در اثبات امامت سایر

ائمہ اثنی عشر ۲۱۳

باب پنجم

در بیان حقیقت معاد

معاد ۲۲۵

صفحه : ۹

انیس الموحدین

تألیف

حکیم متأله علامه متبحر محقق مولی محمد مهدی نراقی (ره) تصحیح و پاورقی از

آیة الله شهید قاضی طباطبائی (ره)

مقدمه

استاد علامه حسن حسن زاده آملی

صفحه : ۱۰

صفحه : ۱۱

شرحی مختصر پیرامون زندگانی مولف

بقلم

استاد علامه حسن حسن زاده آملی

صفحه : ۱۲

صفحه : ۱۳

بسمه تعالی و له الحمد

طود علم و تحقیق , استاد الكل في الكل , علامه مولی مهدی یا محمد مهدی بن ابی ذرین حاج محمد نراقی - قدس سره

- یکی از نوابغ دهر و جامع کلیه فنون علوم , و در هر فن مرد يك فن , و دائرة المعارفی ناطق , و کتابخانه

بزرگی حتی و متحرك بود .

بی شك آن جناب در تبحر و تمهر به جمیع علوم عقلی و نقلی حتی در ادبیات و ریاضیات عالیہ در عداد طراز

اول از اکابر علمای اسلام , و در اتصاف به فضائل اخلاقی و ملکات ملکوتی از نوادر روزگار است . حضرتش

صاحب تصانیف فائقة و تالیفات لائقة در علوم گوناگون است . در کاشان و اصفهان و عتبات عالیہ عراق در

نزد اعظامی چون ملا اسماعیل خواجهانی و ملا محمد جعفر بیدگلی و آقا محمد باقر وحید بهبهانی و غیرهم کسب

معارف کرده است و از کسانی است که در ذکر فضائل تثنی الیهم الخناصر .

در آغاز چند کتاب از مصنفات آن جناب را که دیده ایم خود را مهدی بن ابی ذر نراقی نام برده است , ولی نجل

جلیل از مرحوم مولی احمد نراقی صاحب مستند الشیعة او را محمد مهدی نام برده است چنانکه در اول خزائن

گوید : و بعد بقول المحتاج الی عفوریه الباقی احمد بن محمد مهدی النراقی .

و همچنین در اول عواند و سیف الامة و معراج السعادة و غیرها . لکن در ابتدای

صفحه : ۱۴

مستند الشیعه چاپ سنگی که همین يك چاپ شده است چنین آمده است : و بعد بقول المحتاج الی عفوریه

الباقی احمد بن محمد بن مهدی بن ابی ذر النراقی , که به یقین ابن دوم از سهو قلم ناسخ است .

علامه محقق ملا مهدی نراقی را نراقی اول , و خلف صالحش ملا احمد فاضل نراقی را نراقی ثانی گویند و از

هر دو تعبیر به نراقیان می شود، و مثل صاحب جواهر از مولی مهدی نراقی تعبیر به فاضل نراقی می کند. وقتی در محضر مبارک حضرت استاد علامه طباطبائی صاحب تفسیر المیزان تشریف داشتیم که از نراقیان سخن بمیان آمد، فرمودند: نراقیان هر دو از علمای بزرگ اسلام و ناشناخته اند.

ملا احمد نراقی در مستند بسیار از والدش نقل آراء فقهی می نماید و بدان استناد می جوید و اعتماد می کند مثلا در آخر قبله آن گوید: لو اختلف المجتهدون فی القبلة فالمشهور عدم جواز ایتمام بعضهم بعضا مع توجه کل منهم الی ما اجتهد لا اعتقاد کل بطلان صلوة الاخر، و قيل بالصحب و اختاره والدی - ره - فی مد و هو الاصح لمنع اعتقاد کل بطلان صلوة الاخر بل یعتقد صحتها له و ان اعتقد خطانه فی القبلة و هو غیر مؤثر فی البطلان لعمومات جواز الافتداء یمن یصح صلوته.

کلمه ((مد)) در عبارت مستند اشاره به کتاب معتمد نراقی اول است. عمده تحصیلات فاضل نراقی یعنی ملا احمد در نزد پدرش ملا مهدی نراقی بوده است و برخی از تالیفات ملا احمد بن مضمون: ((الولد سر أبیه)) به اقتضای پدرش ملا مهدی نراقی است. مثلا پدر در فقه معتمد می نویسد و پسر مستند، پدر تجرید الاصول در علم اصول می نویسد و پسر شرحی مبسوط بر آن در هفت مجلد می نویسد (الذریعة، صفحه ۳۵۰، ج ۱۳۰)، پدر در علم اخلاق جامع السعادات به عربی می نویسد و پسر معراج السعادة ترجمه آن به فارسی با بعضی از زیادات، پدر دیوان اشعار به نام طائر قدسی دارد و پسر به نام طاقدیس، پدر مشکلات العلوم می نویسد و پسر خزائن و آنرا تابع ((مشکلات)) قرار داده است به بیانی که در اول ((خزائن)) ذکر کرده است. صفحه: ۱۵

این دو کتاب مشکلات و خزائن هر یک چون کسکول علامه شیخ بهانی، سفینه ای حامل مثقلات از مطالب متنوعه و امتعه ممتعه در هر باب اند. ((مشکلات)) امتن از ((خزائن)) و ((خزائن)) املاح از آنست. اینجانب حسن حسن زاده آملی خزائن را یک دوره تصحیح نموده است و بر آن مقدمه و تعلیقاتی نگاشته است که در سنه هزار و سیصد و هشتاد هجری قمری یعنی بیست و سه سال پیش از این در تهران به طبع رسیده است، و در مشکلات نیز تا حدی کار کرده است و زحمت کشیده است امید است که آن نیز با تصحیح کامل و تعلیقاتی در حل مشکلات مطبوع گردد. کلمات بعضی از صاحبان تراجم و تذکره ها را به اجمال و اختصار در معرفی آنجناب نقل می نمایم:

صاحب روضات فرماید (ص ۶۴۷):

((العالم البارع و الفاضل الجامع قدوة خیل اهل العلم بفهمه الاشرافی مولانا مهدی بن ابی ذر الکاشانی النراقی از ارکان علمای متاخرین ما و از اعیان فضلاء متبحرین ما است، در اکثر فنون علم و کمال صاحب تصنیف است، در فقه و حکمت و اصول و اعداد و اشکال مسلم بوده است.)) آنگاه کتابهایی از مصنفات وی را برشمرد و بعد از آن گفت: ((ولد اجل افضل امجد و مولی احمد نراقی نبذی از مراتب کمالاتش را در اجازه ای که به بعضی از اعظام معاصرینش نوشته است اشارت نموده است و آن اجازه به خط مبارکش در نزد ما موجود است که سلسله مشایخ اجازه روانی خود را با القاب حاکی از مقامات علمی و عملی آنان نام برده است که مشایخ اجازه روانی والد او نراقی اول نیز دانسته می شود، به این صورت:

فمنها ما أخبرنی به قراءة و سماعا و اجازة والدی و استادی و من الیه فی جمیع العلوم العقلیة و النقلیة استنادی کاشف قواعد الاسلام و حلال معاهد الأحکام، ترجمان الحکماء و المتألهین و لسان الفقهاء و المتکلمین الامام الهمام و البحر القمقام، الیم الزاخر و السحاب الماطر، الراقی فی نفانس الفنون الی أعلى المراقی، مولانا محمد

صفحه: ۱۶

مهدی بن ابی ذر النراقی مولدا، و الکاشانی مسکنا، و النجفی التجاء و مدفنا قدس الله سبحانه فسیح تربته و أسکنه بحبوحه جنته عن مشایخه الفضلاء النبلاء العظام:

أولهم: العلامة، الثانی: مولانا محمد باقر البهبهانی، و ثانیهم: المحدث الفاضل و الفقیه الكامل الشیخ یوسف بن احمد بن ابراهیم البحرانی، و ثالثهم: النحریر المحقق و الفقیه الجامع المدقق محمد بن محمد زمان الکاشانی و رابعهم: الفقیه الورع الاوحدی الشیخ محمد مهدی بن الشیخ بهاءالدین الفتونی العاملی و خامسهم: اعجوبة الزمان العالم الربانی مولانا محمد اسماعیل بن محمد حسین المازندرانی و سادسهم: العالم المؤید جامع المعقول و المنقول مولانا محمد مهدی الیهندی.)) بعد از آن صاحب روضات گوید که مراد از محمد اسماعیل مازندرانی مولینا اسماعیل خواجوی است. و دیگر این گفته است از کسانی که در بعضی از مراتب معقول در محضر مولی مهدی نراقی قرانت کرده اند صاحب مطالع الانوار و تحفة الابرار و دیگر صاحب اشارات و منهاج است. مرحوم محمد معصوم شیرازی در طرائق الحقائق فرماید:

((العلامة النراقی مولانا محمد مهدی طاب ثراه از افاضل حکمای مجتهدین متاخرین است، احوالات آن جناب و

کتاب مصنفه حضرتش در رجال علماء مشروح است .))
مرحوم حاج زین العابدین شیروانی در بستان السیاحه گوید : ((نراق بروزن عراق قریه ایست قصبه مانند و محلی است خاطر پسند از توابع کاشان در دامن کوه اتفاق افتاده ، سه طرفش فی الجمله گرفته و سمت مغربش به غایت گشاده است و مردمش شیعی مذهب و مولانا مهدی صاحب تصانیف مفیده از آنجا بوده است .))
و مرحوم ملا حبیب الله کاشانی در لباب الالقاب فی القاب الاطیاب فرماید :
((عارج به اعلی المراقی حاج ملا مهدی بن ابی ذر بن حاج مجد نراقی ، عالمی عیلم و محقق مدقق و استاد الكل فی الكل و جامع
صفحه : ۱۷

جميع علوم عقلیه و ماهر حاذق در علوم شرعیه بود .
کاشف اسرار دقائقی بود که قبل از وی بر آنها اطلاع حاصل نکرده اند ، و مبین قواعد حقایقی بود که جز وی آنها را پیش نیاورده اند . اگر کسی او را بحرالعلوم حقیقی بگوید مجاز نگفته است بلکه به حقیقت سخن گفته است . و اگر قائلی وی را علامه خواند استحقاق ملامت ندارد . بعضی از افاضل وی را خاتم الحکماء و المجتهدین لقب داده است و این لقبی است که در جای خود قرار گرفته است .
در ریاضیات و حکمت سی سال در اصفهان در محضر ملا اسماعیل خواجهی تلمذ کرده است ، و در شرعیات مدتی مدید در نزد وحید بهبهانی . حکایات مشقات آن جناب در تحصیل و تحمل فقر و فاقه و صبر بر حوادث و نوانب روزگار و ریاضتها و عبادات او مشهور است . به خط فرزند وی مولی احمد نراقی خوانده ام که عمده تحصیل پدرش ملا مجد مهدی نراقی در اصفهان در نزد مشایخ بزرگ ملا اسماعیل خواجهی و حاج شیخ مجد و مولانا مهدی هرندی و میرزا نصر بوده است و قسمتی از حدیث را در نزد شیخ اجل شیخ یوسف صاحب حدائق قرانت کرده است ، و صاحب حدائق و آقا مجد باقر بهبهانی از مشایخ اجازه و قرانت او هستند .))
و سپس مصنفات وی را به خط فرزند یاد شده اش فاضل نراقی نام برده است و بعد از آن گفت :
((وفات او در سنه هزار دویست و نه هجری بوده است و به خط فرزندش فاضل نراقی دیده ام که فرموده که عمر شریف آن جناب تقریباً شصت سال بوده است و تربت او در نجف اشرف است . (نقل به ترجمه)))
مرحوم مدرس تبریزی در ریحانه فرماید :
((حاج ملا مهدی یا مجد مهدی بن ابی ذر نراقی الولادة ، کاشانی المسکن ، نجفی المدفن ، از فحول فقهای امامیه و متبحرین علمای اثنا عشریه می باشد که فقیه اصولی حکیم متکلم اعدادی اخلاقی ، جامع علوم عقلیه و نقلیه بوده ، و در کلمات بعضی از اجله به خاتم
صفحه : ۱۸

المجتهدین و لسان الفقهاء و المتکلمین و ترجمان الحکماء و المتالیهین و نظائر اینها موصوف است . در حساب و هندسه و ریاضی و هیأت و علوم ادبیه خصوصاً معانی و بیان ید طولانی داشت . سی سال به ملا اسماعیل خواجهی تلمذ نمود . بعد از فارغ التحصیلی به ایران مراجعت و در کاشان توقف نمود و به برکت وجود شریفش آن شهر دار العلم و دار التحصیل و مجمع علما شد و جمعی از اعلام آنجا ظهور یافتند .))
فاضل نراقی ملا احمد در خزائن (ص ۲۴۳) فرماید :
((با والد ماجد علامه طود علم و تحقیق - رحمة الله علیه - در سنه هزار و دویست پنجاه از هجرت نبویه به زیارت عتبات عالیات تشریف یافتم و چون از مشهدین مشرف نجف و کربلای برگشتیم در مقابر قریش چند روزی مکث کرده ایم ، قاضی بغداد دو لغز که از نتایج طبع او بود برای والد فرستاد و حل آن دو را از او طلب کرد ، آنگاه هر دو لغز و جواب والدش را نقل کرده است .))
تبصره : جناب علامه مولی مهدی نراقی را فرزندی همنام او است که آن جناب نیز از اعظام علمای امامیه بوده است ، صاحب لباب یاد شده گوید :
((حاج ملا مهدی بن حاج ملا مهدی بن ابی ذر نراقی برادر فاضل نراقی (ملا احمد) ، به اسم پدرش نامیده شد زیرا که بعد از وفاتش در سنه ۱۲۰۹ هـ ق متولد شده است . آن جناب عیلم مفضال و فقیه نبویه و مجتهد جواد بذال ، جامع شرائط فتوی و اجتهاد ، حاوی مراتب حسن اخلاق و سداد بود . اگر علم اصول نام برده شود او اصل اصیل است ، و اگر علم فقه ذکر شود او فقیه جلیل است . او را مصنفاً است از آن جمله : کتاب تنقیح الاصول در دو مجلد ، و شرح بر ارشاد علامه حلی به نام مقاصد علیه . در سنه ۱۲۶۸ هـ ق وفات نموده است ، و جنازه او از کاشان به قم انتقال داده شد و در قرب بقعه ابن بابویه مقبره او معروف است . وی از برادرش فاضل نراقی و از وحید بهبهانی و از شیخ جعفر صاحب کشف الغطاء و از سید جواد عاملی مجاز بوده است و صورت قسمتی از اجازه سید جواد عاملی این است : صفحه : ۱۹

و كان ممن جد في الطلب و بذل الجهد في هذا المطلب و فاز بسعادتي العلم و العمل و حاز منهما الخط الأوفر العالم الفاضل و الفقيه الدقيق الكامل ذوالفطنة الوقادة و القريحة النقادة , صاحب الصفات القدسية و الاخلاق الملكوتية جناب الأجل الاكرم الملا مهدي المكرم ابن اعلم العلماء و افضل الفضلاء و حيد زمانه و فريد اوانه الملا مهدي النراقي و فقه الله للعروج الي معارج العلماء و الوصول الي اقصى مدارج العرفاء . . .)) و همچنين صاحب لباب مذکور جمعی از اولاد و احفاد علامه محقق نراقی را نام برد که همه از اکابر دین و فانز به منقبتین علم و عمل و از مراجع بزرگ بوده اند .

در حاشیه روضات آمده است که وفات علامه محقق مولی مهدي نراقی اول , در شب هشتم شعبان هزار و دو بیست و نه هجری قمری بوده است - رضوان الله تعالی - .

در حقیقت معرف هر کس آثار و آیات وجودی اوست که هر اثر معرف دارانی مؤثر خود است , جناب مولی مهدي نراقی اول را باید از تراث علمی او شناخت . متأسفانه این عالم بزرگ اسلامی به مشکلات العلوم و جامع السعادات شناخته شده با اینکه همه مصنفاتش گرانقدر و ارزشمند و حاکی از عظمت و مجد تحقیقات علمی و فکری او است . برخی از آنها بطبع رسیده است و امید است که از همت والای دانشمندان دانش پرور , آثار قلمی دیگر آن جناب نیز در معرض استفاده اهل علم قرار گیرند . آثار قلمی آن جناب :

- ۱ - معتمد الشريعة في احكام الشريعة .
- ۲ - لوامع الاحكام في فقه شريعة الاسلام .
- فاضل نراقی مرحوم ملا احمد در مستند الشیعه و عوائد الایام از این دو تألیف پدرش بسیار نقل می کند .
- ۳ - التحفة الرضوية في المسائل الدينية .

صفحه : ۲۰

- ۴ - التجريد في اصول الفقه , در ایران چاپ شده است به نقل از ریحانه مدرس .
- ۵ - کتاب فارسی در اصول الدین به نام انیس الموحدين که کتاب حاضر است .
- ۶ - انیس التاجرین که همان انیس التجار معروف است و چاپ شده است .
- ۷ - مشکلات العلوم که چاپ شده است .
- ۸ - جامع السعادات , که مکرر چاپ شده است .
- ۹ - رساله ای در عبادات .
- ۱۰ - رساله ای در مناسک حج که به نام انیس الحجاج است . ۱۱ - رساله ای در علم حساب .
- ۱۲ - محرق القلوب در مصائب اهل بیت علیهم السلام . این چند کتاب یاد شده را صاحب روضات نام برده است .

۱۳ - کتاب اللوامع : لوامع الاحكام في فقه شريعة الاسلام . ۱۴ - انیس المجتهدين .

- ۱۵ - جامع الأفكار در حکمت .
- ۱۶ - رساله فارسی در علم عقود انامل .
- ۱۷ - الشهاب الثاقب في الرد على بعض معاصريه من العامة . ((شهاب ثاقب)) در امامت است که در رد رساله فاضل نجاری نوشته است . ۱۸ - معراج السماء في الهيئة .
- ۱۹ - جامعة الاصول في الاصول .
- ۲۰ - انیس الحکماء در معقول .
- ۲۱ - اللمعة , مختصر ((اللمعات العرشية في الحكمة الالهيه)) است . که به نام اللمعة الالهيه است و بطبع رسیده است .

۲۲ - اللمعات العرشية في الحكمة الالهية , که ((اللمعات العرشية في حکمة الاشراق)) است .

صفحه : ۲۱

- ۲۳ - المستقصى في علم الهيئة .
 - ۲۴ - المحصل في علم الهيئة ايضا .
 - ۲۵ - توضیح الاشکال , تحرير اصول اقلیدس .
 - ۲۶ - شرح شفاء که شرح الهیات ((شفاء)) است .
 - ۲۷ - الکلمات الوجيزة , که مختصر اللمعة الالهيه است و با آن بچاپ رسیده است .
- این چند کتاب نام برده را از لباب الالقاب مرحوم آخوند ملا حبیب الله کاشانی نقل کرده ایم که آنها را با بعضی از مصنفات یاد شده از روضات را به خط خلف صالحش فاضل نراقی ملا احمد نقل کرده است .
- جامع الأفكار همانست که مرحوم مدرس در ریحانه به اسم ((جامع الأفكار و ناقد الانظار في اثبات الواجب و

صفاته الثبوتية و السلبية)) نام می برد , و گفته است که آن بزرگترین کتابی است که در این موضوع نگارش یافته است .

راقم در حدود بیست و پنج سال پیش از این , نسخه ای از ((تحریر اصول اقلیدس)) که در حدود نصف اول آن بود در یکی از کتاب فروشهای تهران دیده است که مکنث ابتیاع آن را نداشت . این تحریر به قلم نراقی بود ولی در خاطر ندارم که آیا تحریر علامه محقق مرحوم مولی مهدی نراقی بود , یا تحریر نجل جلیل او مرحوم فاضل ملا احمد نراقی و لکن در صفحه شانزدهم مقدمه لمعه الهیه و کلمات وجیزه آمده است که : کتاب توضیح الاشکال فی شرح تحریر اقلیدس الصوری فی الهندسة و قد شرحة الی لمقاله السابعة بالفارسیة یقرب من سنة عشر الف بیت .

۲۸ - المناسک المکیه فی مسائل الحج که غیر از انیس الحجاج است . ۲۹ - رساله صلوة الجمعة .

۳۰ - رساله فی الاجماع .

۳۱ - شرح تحریر اکرثاوذوسیوس .

۳۲ - جامع المواعظ .

۳۳ - رساله نخبه البیان فی علم المعانی و البیان .

صفحه : ۲۲

این چند رساله را از مقدمه جامع السعادات چاپ نجف نقل کرده ایم . نخبه البیان رساله ای است در وجوه تشبیه و استعارات و محسنات بدیعیه که بطبع رسیده است . در مقدمه قره العیون (ص ۴۳) و لمعه الهیه (ص ۴۳) که یک مقاله به قلم حفید محترم علامه نراقی آقای حسن نراقی در مقدمه دو کتاب یاد شده مکرر طبع شده است و نیز در مقدمه نخبه البیان بقلم مشار الیه یکی از مؤلفات علامه مولا مهدی نراقی اول به نام تحریر اکرثاوذوسیوس آمده است , و در مقدمه معراج السعاده چنانکه نقل کرده ایم شرح تحریر اکرثاوذوسیوس آمده است .

تحریر اکرثاوذوسیوس معروف درسی که در حوزه های علمیه تدریس می شود بقلم محقق خواجه نصیرالدین طوسی است چنانکه اکثر کتب ریاضی خواجه از تحریر اصول اقلیدس تا تحریر مجسطی بطلمیوس بصورت تحریر است , ((تحریر اکرثاوذوسیوس)) در ترتیب دروس ریاضی حوزه ها در رتبه دوم قرار گرفته است یعنی پس از ((تحریر اصول اقلیدس)) , ((تحریر اکرثاوذوسیوس)) خوانده می شود . و این جانب در حوزه علمیه قم یک دوره کامل به تدریس آن توفیق یافت و نسخه های متعدد از آن تحصیل کرده است و نسخه ای از آن را با مقابله دقیق در اثنای تدریس بتصحیح کامل در تصرف دارد و یک دوره بر آن تعلیقات و حواشی دارد . غرض این که ((شرح تحریر اکرثاوذوسیوس)) غیر از ((تحریر اکرثاوذوسیوس)) است . معنی عبارت اول این است که تحریر خواجه را بر اکرثاوذوسیوس شرح کرده است , و معنی عبارت دوم این است که مثل تحریر اصول اقلیدس آن را دوباره تحریر کرده است یعنی تحریر دیگری غیر از تحریر خواجه . ممکن است که هر دو کار را کرده باشد و یا این که تحریر او بمنزله شرح تحریر خواجه است ؟ ولی به قلم جناب ملا احمد فاضل نراقی تحریر اکرثاوذوسیوس ضبط شده است و این اصح و اضبط است که هم خود آن جناب اهل فن بود و هم این که اهل البیت ادری بما فیه (ص ۱۲ مقدمه قره العیون) .

۳۴ - قره العیون که بطبع رسیده است , این کتاب به عربی در حکمت متعالیه است .

صفحه : ۲۳

۳۵ - حاشیه شرح مجسطی .

۳۶ - حواشی بر اکرثاوذوسیوس .

۳۷ - دیوان اشعار .

این چند رساله را از مقدمه نخبه البیان و قره العیون و اللعة الالهیه که به قلم حفید کورش مرقوم شده است نقل کرده ایم .

در پیرامون عبارت ((حاشیه شرح مجسطی)) سخن پیش می آید که مراد از شرح مجسطی ((تحریر مجسطی)) به قلم خواجه نصیرالدین طوسی است و ظاهراً باید همین باشد , و یا حاشیه بر یکی از شروح مجسطی است ؟ چون شرح عبدالعلی بیرجندی , و شرح نظام الدین نیشابوری به عربی که بصورت تعلیقات بر آنست , و شرح راصدین شاه جهان آباد به فارسی بر تحریر مجسطی , و غیرها ؟

زبان و خط عبری

اریاب تراجم نوشته اند که صاحب عنوان جناب نراقی اول در اصفهان زبان و خط عبری را نیز فرا گرفت . گاهی در مشکلات العلوم بدان تفوه می فرماید . مثلاً در صفحه دویمت و دوم آن فرماید :

((روى انه فى غزوة من الغزوات الواقعة بين المسلمين و الكفار لما تقارب الفنتان و طلع اميرالمؤمنين - عليه السلام - و راه بعض رؤساء جيش الكفار و كأنه كان من اليهود قال مخاطبا لقومه : بوزاسكفت قد جاءكم , فقال اميرالمؤمنين - عليه السلام - لما سمعه : ويلك اعلاه العلم و اسفله الطعام .
اقول : بوزاسكفت لغة سريانية يعنى البطين , و لما كان له - عليه السلام - عظم بطن اراد اليهودى أن يعلمه قومه بذلك حتى يحتاطوا , و مع ذلك يزرى بشأته الأقدس , و كان يظن انه - عليه السلام - لا يفهم هذه اللغة فلما سمعه و علم ان عرضه من ذلك الازراء بشأته , فقال عليه السلام ردا لتوهمه : ان عظم البطن ليس مما يذم به بل مما يمدح به لأن أعلاه هو الصدر محل العلم الذى هو قوة الروح , و اسفله هو المعدة محل الطعام الذى هو قوة الجسم و كل من القوتين كمال للانسان .))
صفحه : ٢٤

اين دأب علمای پيشين ما بود كه زبانهای بيگانه را ياد مى گرفتند چه زبان وسيله اى براى رسيدن به معارف و حكمى است كه بدان زبان نوشته اند . مرحوم سيد صالح خلخالى كه شاگرد ارشد حكيم الهى ميرزا ابوالحسن جلوه - قدس سره - بود و شرح حال او در الماثر و الاثار اعتماد السلطنة آمده است (ص ١٨٦) در شرح مناقب شيخ اكبر محيى الدين عربى گويد (ص ٦٧ چاپ سنگى) :

((كتاب طهارة الاعراق افلاطون الهى را ابوعلی مسكويه از زبان يونانى به عربى ترجمه نمود و سلطان الحكماء مجد بن حسن نصيرالدين طوسى آنرا از زبان تازى به پارسى در آورد و به اخلاق ناصرى موسوم كرد . استاد ما مرحوم علامه حاج ميرزا ابوالحسن شعرانى زبان عبرى را در تهران در نزد عالم يهودى فرا گرفت و در زبان فرانسوى استاد بود و انگليسى نيز مى دانست , از اين گونه شواهد از صدر اسلام تاکنون بسيار داريم .))
ابن اثير در اسد الغابة فى معرفة الصحابة در شرح حال زيد بن ثابت مى گويد :

((و كان زيد يكتب لرسول الله (ص) الوحى و غيره , و كانت ترد على رسول الله كتب بالسريانية فأمر زيدا فتعلمها (ص ٢٧٨ ج ٢) . يعنى : زيد كاتب رسول الله (ص) بود و وحى و غير وحى را مى نوشت , و نامه هاى به سريانى براى رسول الله مآمد , رسول الله او را امر فرمود كه سريانى را ياد بگيرد .))
به وزان مؤلفات و مصنفات علامه نراقى اول , بايد از چندين بعد در شخصيت اعلاى علمى و عملى آن جناب سخن به ميان آورد . عالمى ذوالفنون كه در فن رياضى پس از خواجه نصيرالدين طوسى , ((اكرثاوذوسيوس)) و ((اصول اقليدس)) را دوباره تحرير كند , و بر تحرير مجسطى خواجه بقلم محقق طوسى , حواشى داشته باشد و چندين كتاب و رساله علوم رياضى تصنيف کرده باشد , اهميتى بسزا دارد .
و در مقام كمال انساني به حدى باشد كه مثل سيد بحرالعلوم با او چنان صفحه : ٢٥
خطاب آتى الذكر داشته باشد خيلى مقام است . مرحوم استاد ما علامه حاج سيد مجد حسين طباطبائى , مرحوم سيد بحرالعلوم و ابن فهد صاحب عدة الداعى و سيد ابن طاوس صاحب اقبال را از كمال مى دانست و مى فرمود اينها كامل بودند .

علامه نراقى يکى از تاليفاتش براى سيد مهدى طباطبائى بحرالعلوم به نجف ارسال مى دارد و او را چنين خطاب مى کند :

ألا قل لسكان ذاك الحمى

هنيئا لكم فى الجنان الخلود

أفيضوا علينا من الماء فيضا

فنحن عطاش و انتم ورود

و مرحوم سيد بحرالعلوم در جواب مى گويد :

ألا قل لمولى يرى من يعيد

جمال الحبيب بعين الشهود

لك الفضل من غائب شاهد

على شاهد غائب بالصدود

فنحن على الماء نشكو الظلماء

و انتم على بعدكم بالورود

علامه نراقى گويد :

اى رسول ما به ساکنان آن حمى يعنى حرم مرتضوى بگو : خلود در بهشت شما را گوارا باشد , بر ما آبى افاضه كنيد كه ما تشنه و شما سيرابيد . در گفتارش ناظر به آيه پنجاهم سوره اعراف است .

سيد بحرالعلوم در پاسخ گويد :

ای رسول ما به آقانی که از دور جمال دوست را به چشم شهود می بیند . بگو : تو را که غائب حاضری , بر این حاضر غائب فضل و برتری است , زیرا که مادر کنار آب از تشنگی می نالیم و شما با این که دورید وارد در آبیید . صدود اعراض نمودن و برگردانیدن است . مرحوم سید , علامه نراقی را بسبب حضور و توجه و مراقبت غائب شاهد می خواند , و خود را به سبب إعراض و عدم حضور , شاهد غائب .

راقم صلاح و صواب می داند که برخی از افادات جناب علامه محقق نراقی را که نفع آن اعم و اعم است عنوان کند و بیانی به اختصار در پیرامون آن ذکر نماید به رجاء این که نفوس مستعدہ را در اعتلای به فهم خطاب مجددی -

صفحه : ۲۶

صلی الله علیه و آله - معدی تام و ممدی بکمال بوده باشد . و الله ولی التوفیق .

الف - در بعضی از اشعارش بصورت ساقی نامه فرموده است : بیا ساقیا من بقربان تو

فدای تو و عهد و پیمان تو
منی ده که افزایشم عقل و جان
فتد در دلم عکس روحانیان
شنیدم ز قول حکیم مهین
فلاطون مه ملک یونان زمین
که می بهجت افزاوانده فراست
همه دردها را شفا و دواست
نه زان می که شرع رسول انام
شمرده خبیث و نموده حرام
از آن می که پروردگار غفور
نموده است نامش شراب ظهور
بیا ساقی ای مشفق چاره ساز
بده یک فدح زان می غم گداز

در این ابیات نظر به کریمه و سقیمم ربهم شرابا ظهورا دارد (سوره انسان آیه ۲۲) . در تفسیر آن کلامی معجز نظام از سلاله نبوت صادق آل محمد - صلوات الله علیهم اجمعین - مروی است که مسحه ای از علم الهی و قبسی از نور مشکوة رسالت و نفعه ای از شمیم ریاض امامت است , آنرا امین الاسلام طبرسی در تفسیر شریف مجمع البیان در بیان کریمه یاد شده بدینصورت روایت کرده است :

((ای یطهرهم عن کل شیء سوی الله ادلا طاهر من تدنس بشیء من الاکوان الا الله , رووه عن جعفر بن محمد - علیه السلام -))

من در امت خاتم از عرب و عجم , کلامی بدین پایه که از صادق آل محمد در غایت قصوای طهارت انسانی روایت شده است از هیچ عارفی نه دیده ام و نه شنیده ام .

آن کس که ز کوی آشنایی است
داند که متاع ما کجایی است

حدیث به هیأت مفرد اُعتی ((روی)) روایت نشده است بلکه به صیغت جمع یعنی ((رووه)) مروی است , پس خیلی ریشه دار است که جمعی آن را روایت کرده اند .

در این کریمه رب ابرار , ساقی ابرار است و در این رب و اضافه آن به ((هم)) هم مطالبی است که نهفته معنی نازک بسی است در خط یار . صفحه : ۲۷

((ظهور)) صیغت مبالغت است , طاهر پاک است و ظهور پاک کنند . آب مضاف ممکن است که طاهر باشد اما مسلما ظهور نیست اما مطلق آن هم طاهر است و هم ظهور . ابرار شرابی که از دست ساقیشان می نوشند علاوه بر این که پاک است پاک کننده هم هست .

این شراب ابرار را از چه چیز تطهیر می کند ؟ امام فرمود : از هر چه که جز خدا است , زیرا که طاهر از دنس اکوان جز خدا نیست . دنس چرک است و اکوان موجودات و مراد از دنس نقص امکان است که خداوند از نواقص ممکنات طاهر است زیرا که صمد حق است . این شراب انسان را از ما سوی الله شست و شو می دهد . فتبصر .

ب - در ابتدای جامع السعادات چند دلیل بر تجرد نفس ناطقه آورده است , نتیجه تمام ادله تجرد نفس ناطقه اعم از تجرد برزخی خیالی , و تجرد عقلی , و فوق تجرد عقلی آن , این است که نفس بعد از مفارقت از این نشأه

باقی است یعنی انسان من حیث هو انسان فناپذیر نیست . تقدیم این امر مهم اعنی اثبات تجرد نفس , در کتب اخلاق مطلبی لازم و واجب است , زیرا بحث از اخلاق که دستور العمل تکامل نفس و تصاعد او بسوی سعادت ابدی او است مبتنی بر معرفت نفس است . حکیم الهی نامور اسلامی این مسکویه در طهارة الأعراق همین شیوه پسندیده را بکار برده است بلکه کتاب اخلاق مطلقاً متفرع بر این اصل است , آن کتاب اخلاق ارسطو نیز جز این نیست .

نگارنده تاکنون بیش از هفتاد دلیل عقلی در تجرد نفس ناطقه انسانی به اطلاق , از اعظم حکمای الهی تحصیل کرده است چنانکه ادله نقلی بسیار هم گرد آورده است و همه را در يك رساله تدوین نموده است که امید است تنظیم گردد و به محضر طالبان حقیقت تقدیم شود .

اهتمام ما بدین امر از اینجهت است که هیچ موضوع علوم عقلیه و در حکمت متعالیه به پایه اهمیت آن نمی رسد . و در حقیقت این مطلب اجل مطالب عقلی و اساس دینداری است و از قدیم الدهر سلسله جلیله حکمای الهی که بمنزله

صفحه : ۲۸

مدارك باطنه قوه عاقله انسان کبیر شرع و دین اند در پیرامون آن بحث کرده اند و رساله های جداگانه نوشته اند و معرفت نفس را مرقاته معرفت رب شناخته اند , و شناسایی آن را باب شناسایی کلیه معارف دانستند و جمیع ما فی الکون را مظاهر صفات نفس یافتند و در سرانجام معرفت نفس را عین معرفت رب . و بدین نظر تحقیق و تدقیق امر نفس فوق بحث در مجرد بودن آنست و همانست که در حکمت متعالیه چون فتوحات مکیه و اسفار (ص ۵۴ , ج ۴) عنوان شده است که :

((من عرف النفس انها الجوهر العاقل المتوهم المتخیل الحساس المتحرك الشام الذائق اللامس النامی , أمکنه أن یرتقی الی معرفة ان لا مؤثر فی الوجود الا الله .))

حکمای هند در کلیله و دمنه به اشاره و رمز درباره نفس ناطقه بآبی به نام باب حمامه مطوقه نوشته اند . ارسطو رساله نفس دارد و باب افضل کاشی که از اجله علمای اسلام و از افاحم حکماء و عرفاء است آن را به پارسی ترجمه کرده است . ابونصر فارابی معلم ثانی رساله ای در حقیقت روح و اثبات تجرد او و بیان آنکه روح بدون ماده بدن جوهری مستقل و قادر بر هر گونه ادراک و لذت در عالم ابدیت و جهان ما فوق طبیعت است .

فیلسوف عرب ابویوسف یعقوب بن اسحاق کندی در نفس رساله ای نوشته است . شیخ رنیس علاوه بر این که در نجات و اشارات و شفاء بطور تفصیل درباره نفس ناطقه مستوفی بحث کرده است چندین رساله مستقل در معرفت نفس و تجرد و بقای آن نوشته است .

حکیم فاضل ابوالحسن سعد بن هبة الدین کمونه رساله ای در ابدیت نفس تصنیف کرده است . فخر رازی کتابی در تجرد و بقای نفس به نام المطالب العالیه دارد که شیخ بهائی در شرح حدیث چهلم کتاب اربعین خود آنرا نام می برد و می ستاید که : قد تضمن کتاب المطالب العالیه منها ما لا یوجد فی غیره . صفحه : ۲۹

شیخ اکبر محیی الدین عربی , فتوحات مکیه و فصوص الحکم را در معرفت نفس و اطوار و نشانات وجودی و شهودی آن نوشته است که باید گفت کل الصید فی جوف الفراء .

خواجه نصیرالدین طوسی رساله ای به نام بقاء النفس بعد فناء الجسد تألیف کرده است . صدر المتألهین در قسم چهارم اسفار بطور مبسوط و مفصل و مستدل در نفس و بقا و شئون و معاد او بحث کرده است .

شیخ فاضل رضی علی بن یونس عاملی رساله ای در این موضوع به نام الباب المفتوح الی ما قیل فی النفس و الروح نوشته است که تمام آن در سماء و عالم بحار نقل شده است .

آقا علی مدرس زنوزی صاحب بدایع الحکم رساله ای در بیان ان النفس کل القوی نوشته است که در حاشیه شرح هدایه آخوند چاپ شده است . طنطاوی جوهری صاحب تفسیر کتابی در تجرد روح انسان و بقای آن بعد از خرابی بدن به نام الارواح نوشته است .

از این گونه کتب و رسائل که از قدیم تا الیوم در معرفت نفس و بقای آن نوشته اند بسیار است . این تاکید و تشدید رجال الهی در این باب برای این است که شبهات متوغلین در ماده را رفع کنند و عقول مردم را به سوی کمالشان که لقاء الله است سوق دهند .

مردم طبیعی مادی , موت را مساوق نابود شدن می پندارند و گویند هر کس مرد بطلان صرف می گردد و هر چه کرد پاداش و کیفر آخری ندارد زیرا کسی باقی نیست تا ثواب یابد یا عذاب بیند و حال که چنین است

ارسال رسل و انزال کتب مفهومی ندارد و به انکار بقای انسان اعراض از اصول و فروع دین می کنند .
اما بزرگان علوم و معارف آن همه ادله عقلیه بر تجرد نفس ناطقه و بقای آن بعد از ویرانی بدن اقامه کرده اند
که انسان بن مردن بدن و متلاشی شدن آن معدوم نمی شود بلکه باقی و زنده است جز این که به يك معنى از
سرایى به سرای دیگر
صفحه : ۳۰

انتقال می یابد و آنچه کرده است با خود می برد و هر کسی بسوی عمل خود می رود بلکه عین عمل خود است
که علم و عمل انسان سازند و در ((یوم تبلی السرائر)) باطنش عین ظاهر می گردد .

ان العمل نفس الجزاء

ج - یکی از مسائل نفیس در معرفت نفس این است که عمل نفس جزاء است و علامه محقق نراقی - قدس سره -
یکی از مباحث کتاب شریف جامع السعاده را این مطلب مهم معنون به همین عنوان قرار داده است که ان
العمل نفس الجزاء .

علم و عمل عرض نیستند بلکه جوهر و انسان سازند . انسان به علم و عمل سازنده خود است و کاری مهمتر از
این سازندگی ندارد . علم سازنده روح و عمل سازنده بدن است ، و همواره در همه عوالم ، بدن آن عالم مرتبه
نازله نفس است . و بدنهای دنیوی و آخروی در طول یکدیگرند و تفاوت به نقص و کمال است .
جزا نفس علم و عمل بدون است چه جزا در طول علم و عمل است و ملکات نفس مواد صور برزخی اند . یعنی
هر عمل صورتی دارد که در عالم برزخ آن عمل بر آن صورت بر عاملش ظاهر می شود که صورت انسان در
آخرت نتیجه و غایت فعل او در دنیا است . و هم نشینهای او از زشت و زیبا همگی غایات افعال و صور
اعمال و آثار و ملکات او است که در صقع ذات او پدید می آیند و بر او ظاهر می شوند که در نتیجه انسان در
این نشأه نوع و در تحت آن افراد ، و در نشأه آخرت جنس و در تحت آن انواع است . و از این امر تعبیر به
تجسم اعمال ، یا تعبیر به تجسد اعمال ، و یا تعبیر به تجسم أعراض ، و امثال این گونه تعبیرات کرده اند و
مقصود تحقق و تقرر نتیجه اعمال در صقع جوهر نفس است .